

طرح‌های میراث مکتوب

۱. طرح احیای میراث مشترک ایران و شبه قاره (بخش هند)

مراحل مقدماتی این طرح تا پایان امسال به پایان خواهد رسید، هماهنگی‌های لازم میان همکاران هندی و مرکز حاصل گردید تا تمامی طرح‌ها تا سال ۸۵ و ۸۶ به وقوع بپیوندد و باید در انتهای سال ۸۶ سمینارهایی جهت احیای متون فارسی در هند برپا نمود تا دستاوردهای دو ساله به اطلاع عموم برسد و همچنین اندیشمندان این وادی بتوانند تبادل نظر و تجربه نمایند.

برپایی کارگاه‌های آموزشی و سمینارهایی در زمینه میراث مشترک ایران و هند از اصلی‌ترین برنامه‌های این طرح می‌باشد. نخستین کارگاه آموزشی سال ۸۴ در دهلی برپا شد و موضوع کارگاه آموزشی، فهرست‌نگاری و تصحیح متون بود. از جمله طرح‌های میراث مشترک ایران و شبه قاره (بخش هند) که در دست اقدام است، طرح فهرست پایان‌نامه‌های دوره دکتری و کارشناسی ارشد در زمینه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های هند است که با مشارکت اساتید هندی و تحت نظارت و اشراف مرکز پژوهشی میراث مکتوب انجام می‌شود و مراحل مقدماتی را می‌گذراند.

طرح بزرگ جمع‌آوری، ترجمه، ویرایش و یکسان‌سازی فهرست نسخه‌های خطی هند از دیگر طرح‌های در دست اقدام و بررسی است که می‌تواند دریچه‌ای باشد به گنجینه عظیم نسخه‌های خطی موجود در شبه قاره، فهرست‌های مذکور به دلیل اینکه در طی بیش از یک قرن تهیه و چاپ شده است به مرور کمیاب و نایاب شده و از آنجا که با روش‌های گوناگون و عمدتاً سه زبان فارسی، انگلیسی و اردو نوشته شده، دسترسی و استفاده از آنها با مشکل روبرو است. یکسان‌سازی، ویرایش،

ترجمه و تهیه بانک اطلاعات از آنها می‌تواند نویدبخش راه‌یابی پژوهشگران به این گنج شایگان باشد و اگر چه کاری است سترگ اما جور آن کشیدن برای طاووس‌های نهفته در کتابخانه‌های هند شایسته است.

۲. طرح احیای میراث مشترک ایران و عثمانی

طرح نامبرده شده از سه ماهه آخر سال ۸۳ مراحل آغازین خود را سپری نموده و در هجدهمین نمایشگاه کتاب با نشستی در سرای اهل قلم رسمیت خود را برای اهل فن بیان نمود. جلساتی با حضور اساتید مرتبط و سران سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برقرار شده و کماکان نیز ادامه دارد و قرار بر این است که در سال ۸۵ با برپایی سمینار مشترکی در ترکیه با همکاری طرف ترک، دستاوردهای استادان ایرانی و همکاران ترک به نتایج ملموسی دست یابد.

این مرکز با چاپ کتابهایی در این زمینه به احیای میراث مشترک این حوزه پرداخته است.

کتابهایی همچون تاریخ آل سلجوق در آناتولی، و یا کتابی چون مرآة الحرمین که از مؤلفی ترک می‌باشد. وجود پیشینه مشترک فرهنگی در تاریخ گذشته ایران و کشورهای همسایه از حقایق انکارناپذیر است.

راجع به روابط فرهنگی میان ایران و ترکیه، تاکنون پژوهش‌های مستقل و مفصلی صورت گرفته که در هر کدام از آنها به گوشه‌ای از تاریخچه این روابط و وضع فعلی آن پرداخته شده. اینگونه فعالیت‌ها علاوه بر محدودیت نشر کتاب و مقالات در قالب نشست‌هایی مشترک نیز صورت گرفته که از جمله آنها برگزاری نشستی مشترک میان «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» و «بنیاد



تاریخ ترکیه» است که در سال ۱۳۸۰ خورشیدی و با همکاری دانشگاه شهید بهشتی در تهران برگزار شد. نتایج برگزاری همایش‌هایی از این دست بسیار کارآمدتر از چیزاست که در ابتدا به ذهن متبادر می‌شود چرا که گردهمایی‌هایی اینچنین میان اندیشمندان و اهلم قلم دو حوزه برگزار می‌شود و دستیابی به تفاهم در این مجامع، نتایج و دستاوردهای دراز مدتی را دربر خواهد داشت که پدیدآمدن آثار قلمی تنها یکی از این دستاوردهاست.

اگر چه مخاصمات سیاسی میان این دو منطقه در طول تاریخ باعث ایجاد مرزهای فیزیکی شده است، اما میان تعامل فرهنگی و تبادل اندیشه مردمان این دو حوزه هرگز مرزی پایدار وجود نداشته و وجود اسناد و موارث مکتوب مشترک این حقیقت را به اثبات می‌رساند.

پدید آمدن حوزه‌های اندیشه فارسی زبانان - مانند ملطیه و قونیه - در آن محدوده از جمله مواردی است که پیشینه این امر را روشن می‌کند اما علاوه بر اینگونه شواهد تاریخی و کهن، نشانه‌هایی ملموس و زنده از وجود این علائق مشترک در گذشته‌هایی نه چندان دور - و بعضاً نزدیک - وجود دارد.

از نمونه‌های آن کثرت شمار ایرانیانسانان ترکیه نسبت به تعداد این محققان در کشورهای دیگر است که از افزونی چشمگیری برخوردار است. از سوی سطح علمی کارهای ایشان است که در حدی قابل قبول قرار داشته و در بعضی موارد حتی از بهترین تحقیقات در زمینه خود به شمار می‌رود.

۳. طرح احیای میراث مشترک ایران و ماوراءالنهر

در میان سرزمین‌های پیرامونی در ایران کنونی، کمتر منطقه‌ای همچون ماوراءالنهر - یا با اندکی تسامح آسیای مرکزی - با فضای فرهنگی و اجتماعی «جهان ایرانی» پیوند وثیق و استوار داشته است. در برخی از ادوار تاریخی، اساساً حوزه فرهنگی سرزمین ایران با ماوراءالنهر یگانه است و سخن از «اشتراک» درست و دست کم دقیق نیست. راست است که اوضاع و احوال سیاسی بسته به شرایط در قرون و اعصار ماضی، دستخوش فراز و فرودهای بسیار بوده، اما چون پا را

از دایره روابط سیاسی میان ایران و ماوراءالنهر بیرون گذاریم، ملاحظه خواهد شد که روابط فرهنگی همچنان پابرجا بوده و تبادل علمی میان دانشمندان جریان داشته است. البته نباید و نمی‌توان نقش زبان فارسی را در این گونه پیوندها نادیده گرفت، و بخش بزرگی از آنچه که اکنون به عنوان پیوند میان دو سرزمین یاد می‌کنیم، از طریق همین زبان صورت گرفته است. بنابراین، آنچه از میراث نیاکان، در ماوراءالنهر - به تعبیری خراسان بزرگ - اکنون بر جای مانده، به حوزه ایرانی - اسلامی تعلق دارد و بی‌گمان می‌باید بخش عمده‌ای از فعالیت‌های ما مصروف احیای آن گردد. حتی از زمانی که نظام اتحاد جماهیر شوروی بر سرزمین ماوراءالنهر چنگ انداخت و مانع از ایجاد یا ادامه هر گونه ارتباط میان دو سرزمین شد، به شهادت نسخه‌های خطی بر جای مانده از یکصد و پنجاه ساله اخیر، باز هم زبان فارسی و فرهنگ اسلامی به حیات خود ادامه داد و هنوز هم در مناطق بسیاری از آسیای مرکزی زبان فارسی، زبان نخست مردم کوچه و بازار است. گر چه بخش عظیمی از فرهنگ مکتوب نیاکان ما، به عربی و فارسی، در گنجینه‌های ارزشمند و گاه شگفت‌انگیز جمهوری‌های آسیای مرکزی - به ویژه ازبکستان و تاجیکستان - محفوظ مانده، اما به سبب قطع هر گونه ارتباط در یکصد و پنجاه سال اخیر، دسترسی فضا به آن نسخه‌ها ناممکن و دست کم بسیار دشوار بوده است. افزون بر اینکه اطلاع محققان و پژوهشگران از وجود نسخه‌ای از آثار دانشمندان قرون پیشین غالباً منحصر به فهرست‌های دقیق و کامل و شامل از کتابخانه‌های دارنده اینگونه نسخه‌هاست. البته بخشی از این نسخه‌ها فهرست شده و در دسترس هستند، اما به شهادت شاهدان عینی، چندین برابر نسخه‌های فهرست نشده در گنجینه‌های مذکور از چشم محققان دور مانده است. از حدود یک دهه پیش و با فروپاشی رژیم شوروی و اعلام استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی، کوشش‌هایی برای راهیابی و اطلاع از کتابخانه‌ها و گنجینه‌های آسیای مرکزی صورت گرفت و نتایج چشمگیری نیز به بار آورد، اما با در نظر گرفتن حجم عظیم میراث مکتوب در این حوزه، همچنان راه درازی در پیش است.

مرکز پژوهشی میراث مکتوب با آگاهی از اهمیت

فوق العاده میراث نیاکان در آن منطقه، احیای این میراث را از طریق شناسایی، تصحیح علمی و انتشار و بررسی همه جانبه امهات آثار مربوطه، در همت خود قرار داده است. مسلّم است که با شناسایی و انتشار اینگونه آثار - که گاه نسخه منحصر بفردی از کتابی بس مهم را شامل می شود - گامی بلند در راه شناخت بهتر و دقیق تر اوضاع تاریخی، جغرافیایی و مذهبی این منطقه برداشته خواهد شد. البته در میان فضایی این مناطق نیز شوقی برای احیای میراث مکتوب بر جای مانده ملاحظه می شود، اما با توجه به شرایط فرهنگی و غیر فرهنگی، انجام این مهم به اغلب احتمال از عهده ایشان خارج است، ولی می توان از یاری ایشان در شناسایی اینگونه آثار بهره

جست و آنان را در امر تصحیح و انتشار آثار پیشینیان شرکت داد.

طرح «احیای میراث ماوراءالنهر» بنا بر اولویت، همه گونه آثار تاریخی و علمی و ادبی را دربر می گیرد و امید است با انتشار میراث مکتوب نیاکان در ماوراءالنهر به ویژه در دورانهایی که دانشمندان دو سرزمین کمتر از اوضاع و احوال فعالیت های فرهنگی یکدیگر آگاهی داشته اند، پرتوی بر نقاط تاریک و یا نیمه روشن تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام افکنده شود. کما اینکه این امر در روند کاری این مرکز بوده و کتبی چون القند فی ذکر علمای سمرقند و تاریخ بخارا، خوقند و کاشغر را در این زمینه منتشر کرده است.

همایش نسخه های خطی در قزاقستان

با توجه به تجربه برگزاری کارگاه آموزشی در هند برای برگزاری همایش نسخه های خطی و دوره آموزشی در قزاقستان مقرر شد که با رؤسای کتابخانه های کشورهای آسیای میانه تفاهم نامه هایی امضا شود تا اعضای کتابخانه های بخش نسخ خطی بتوانند در این دوره ها شرکت کرده و با فنون فهرست نویسی بیشتر آشنا شوند. این همایش در پنج محور نسخه شناسی، تصحیح متون، فهرست نویسی، متن پژوهی، اسناد و کتیبه ها با حضور ۱۰ تن از کارشناسان داخلی و ۲۰ تن از محققان خارجی در آلماتی در تابستان سال ۱۳۸۵ برگزار خواهد شد.